

قاتلان «امیرالمؤمنین صلوات الله علیه»

قسمت بیست و یکم؛ سحر جمعه ۲۶ اردیبهشت ۹۹

سوره اعراف - آیه ۷۳

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءتُكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ

و به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را به رسالت فرستادیم. گفت: ای قوم من، خدا را پرستید که شما را معبودی جز او نیست. همانا برای شما از جانب پروردگارتان نشانه‌ای روشن آمده است. این ماده شتری است که خدا آن را به اعجاز پدید آورده و برای شما نشانه‌ای بر پیامبری من است، آن را آزاد بگذارید آن در زمین خدا می‌چرد و گزندی به آن نرسانید که عذابی دردناک شما را فروخواهد گرفت

سوره شمس - آیات ۱۱ تا ۱۴

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها

به فرجام ثمودیان بنگرید تا عاقبت گناه را دریابید. قوم ثمود در اثر طغیانشان پیام الهی را دروغ انگاشتند. آن‌گاه که تیره‌بخت‌ترینشان برانگیخته شد تا ناقه الهی را پی کند. پس صالح فرستاده خدا به آنان ابلاغ کرد که ناقه خدا و آب خوردنش را واگذارید و مانع آن نشوید. ولی قومش او را تکذیب کردند و ناقه را کشتند؛ پس پروردگارشان آنان را به سزای گناهشان به عذابی فروگرفت و با خاک یکسانشان ساخت.

فَقُمْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بَكَى فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَبْيَى لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ **وَقَدْ أَنْبَعَثَ أَشْقَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ شَقِيقُ عَاقِرِ نَاقَةٍ ثُمُودًا** فَضَرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ ثُمَّ قَالَ **يَا عَلِيُّ مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي** لِأَنَّكَ مِنِّي كَتَفْسِي رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي

عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص: ۲۹۷

امیرالمومنین علیه السلام گویند: هنگام خطبه خواندن رسول خدا در جهت معرفی عظمت ماه مبارک رمضان از جای برخاستم و عرضه داشتم: ای رسول خدا! برترین عمل در این ماه چیست؟ فرمود: ای ابالحسن! بهترین عمل در این ماه ورع از محرمات الهی است. سپس رسول خدا گریستند، گفتم: یا رسول الله علت گریه شما چیست؟ فرمود: برای این است که در این ماه تو را در حال نماز در پیشگاه پروردگارت می بینم در حالیکه شقی ترین اولین و آخرین، رفیق پی کننده ناقه ثمود، پشت سرت ایستاده و شمشیری بر فرقت می زند که محاسنت به خون آن رنگین می شود. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: عرضه داشتم: ای رسول خدا! آیا در آن حال دینم سالم است؟ فرمودند: آری در سلامت دینت از دنیا می روی. سپس فرمودند: ای علی! هر کس تو را بکشد، مرا کشته است؛ و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است؛ و هر کس تو را ناسزا گوید، مرا ناسزا گفته است؛ چرا که تو از من هستی. روح تو از روح من و سرشت تو از سرشت من است.

١٨٣٢١- حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ بَحْرٍ، حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ، حَدَّثَنِي
 يَزِيدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حُثَيْمِ الْمُحَارِبِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ الْفُرْطِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُثَيْمِ أَبِي
 يَزِيدَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَعَلِيُّ رَفِيقَيْنِ فِي غَزْوَةِ ذَاتِ الْعُشَيْرَةِ، «١» فَلَمَّا نَزَلَهَا
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَأَقَامَ بِهَا، رَأَيْنَا أَنَا مِنْ بَنِي مُدَلِجٍ يَعْمَلُونَ فِي عَيْنِ لَهُمْ فِي
 نَخْلِ، فَقَالَ لِي عَلِيٌّ: يَا أَبَا الْيَفْظَانِ، هَلْ لَكَ أَنْ نَأْتِيَ هَؤُلَاءِ، فَتَنْظُرَ كَيْفَ يَعْمَلُونَ؟ فَجِئْنَاهُمْ،
 فَتَنْظَرْنَا إِلَى عَمَلِهِمْ سَاعَةً، ثُمَّ غَشِينَا النَّوْمَ، فَأَنْطَلَقْتُ أَنَا وَعَلِيُّ فَاصْطَبَجَعْنَا فِي صَوْرِ مَنْ
 النَّخْلِ فِي دَفْعَاءَ مِنَ التُّرَابِ، فَنِمْنَا، فَوَاللَّهِ مَا أَهَبْنَا إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 يُحَرِّكُنَا بِرِجْلِهِ، وَقَدْ تَرَّيْنَا مِنْ تِلْكَ الدَّفْعَاءِ، فَيَوْمَئِذٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 لِعَلِيِّ: " يَا أَبَا تُرَابٍ لِمَا يُرَى عَلَيْهِ مِنَ التُّرَابِ، قَالَ: " **أَلَا أُحَدِّثُكُمْ بِأَشْقَى النَّاسِ رَجُلَيْنِ؟**
قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: " أَحْيِمِرُ ثُمُودَ الَّذِي عَقَرَ النَّاقَةَ، وَالَّذِي يَضْرِبُكَ يَا عَلِيُّ عَلَى
هَذِهِ، يَعْنِي قَرْنَهُ، حَتَّى تُبَلَّ مِنْهُ هَذِهِ، يَعْنِي لِحْيَتَهُ

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ٣٠، ص: ٢٥٦ و أخرجه الطحاوي في " مشكل الآثار " (١ / ٣٥١ - ٣٥٢) والنسائي في " الخصائص " (ص ٢٨) والحاكم (٣ / ١٤٠ - ١٤١)

✓ تصريح عالمان اهل سنت بصحت حديث

• كلام ابن حجر

عبد الرحمن بن ملجم المرادي:

أدرك الجاهلية، وهاجر في خلافة عمر، وقرأ على معاذ بن جبل. ذكر ذلك أبو سعيد بن
 يونس، ثم صار من كبار الخوارج، وهو أشقى هذه الأمة بالنص الثابت عن النبي صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بقتل علي بن أبي طالب...

الإصابة، ٨٥/٥

• کلام سخاوي

بَلْ هُوَ أَشَقَىٰ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالنَّصِّ الثَّابِتِ عَنِ الصَّادِقِ الْمَصْدُوقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ حَدِيثِ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ بِقَوْلِهِ مُخَاطِبًا لِعَلِيِّ: («أَشَقَى النَّاسِ الَّذِي عَقَرَ النَّاقَةَ، وَالَّذِي يَضْرِبُكَ عَلَىٰ هَذَا، وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَىٰ رَأْسِهِ، حَتَّىٰ تُخَضَّبَ هَذِهِ») . يَعْنِي لِحَيَّتَهُ. فتح المغيث، ٣٢٤/٤

• تصريح الباني به صحت حديث

١٠٨٨ - " أشقى الأولين عاقر الناقة وأشقى الآخرين الذي يطعنك يا علي. وأشار إلى حيث يطعن ". **لكن الحديث صحيح، فقد جاءت له شواهد كثيرة عن جمع من الصحابة** منهم علي نفسه وعمار بن ياسر وصهيب الرومي. سلسلة الصحيحة، ٧٨/٣

✓ چه کسانی در قتل امیرالمومنین علیه السلام شریکند؟

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرَّضَا وَ السُّخْطُ وَ إِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثُمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا فَقَالَ سُبْحَانَهُ فَعَقَرُوهَا فَأَضْبَحُوا نَادِمِينَ فَمَا كَانَ إِلَّا أَنْ حَارَتْ أَرْضُهُمْ بِالْخَسْفَةِ حُورَ السَّكَّةِ الْمُحَمَّاةِ فِي الْأَرْضِ

نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص: ٣١٩

مردم! خشنودی و خشم از چیزی همگان را در پیامد آن شریک سازد و کیفر یا پاداش آنچه را بدان راضی شده‌اند به آنان پردازد. چنانکه ماده‌شتر ثمود را یک تن پی نمود و خدا همه آنان را عذاب فرمود، چرا که گرد اعتراض نگردیدند- و همگی آن کار را پسندیدند، و خدای سبحان گفت: «ماده‌شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند» و دیری نپایید که زمینشان بانگی کرد و فرو رفت، چنانکه در زمین سست آهن تفت.

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: **الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ** وَ عَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ
إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَ إِثْمُ [الرِّضَا] الرَّضَى بِهِ

نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص: ٤٩٩

آن که به کار کسانی خشنود است، چنان است که در میان کار آنان بوده است، و هر که در باطلی پا نهاد، دو گناه بر گردن وی افتاد، گناه کردار و گناه خشنودی بدان کار

قال عليه السلام: **أَلَا وَ مَنْ سُئِلَ عَنْ قَاتِلِي فَرَعَمَ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ فَقَدْ قَتَلَنِي**

الغيبة للنعماني، النص، ص: ٢٨

ای مردم اگر از کسی پیرامون قاتلم سوال کنند و او قاتل مرا با ایمان پندارد، (با این گمان باطل خود) مرا کشته است. (یعنی در گناه قتل شریک خواهد بود)

✓ مدح قاتل امیرالمومنین صلوات الله علیه

وَمِنْ شِعْرِهِ فِي مَضْرَعِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ:

يَا ضَرْبَةً مِنْ تَقِيٍّ مَا أَرَادَ بِهَا / إِلَّا لِيَبْلَغَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ رِضْوَانَا

إِنِّي لِأَذْكُرُهُ حِينًا فَأَحْسِبُهُ / أَوْ فِي الْبَرِيَّةِ عِنْدَ اللَّهِ مِيزَانَا

از اشعار عمران بن حطان درباره قتل امیرالمومنین صلوات الله علیه :

ترجمه بیت اول: چه ضربتی آورد (ابن ملجم مرادی بر فرق علی) که ضربتش از نهایت

تقوا بود. که با این ضربت صاحب عرش (خداوند) از دست او راضی گردید. ترجمه بیت دوم: وقتی من (ابن ملجم مرادی) را به یاد می آورم، (به خاطر ضربتی که بر فرق علی آورد) او را از وفادارترین خلائق نزد خداوند به حساب می آورم .

سیر اعلام النبلاء ، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد الذَّهَبِي ، متوفای ۷۴۸ هـ ، ج ۴ ، ص ۲۱۵ ، مؤسسة الرسالة بیروت ، الطبعة الحادية العشر ، ۱۴۱۷ هـ / ۱۹۹۶ م . و الإستیعاب فی معرفة الأصحاب ، ج ۳ ، ص : ۱۱۲۸

✓ دشمنی با امیرالمومنین صلوات الله علیه

و قد روي عن مسروق أنه قال دخلت عليها فاستدعت غلاما باسم عبد الرحمن فسألته عنه فقالت عبدي فقلت كيف سميته بعبد الرحمن **قالت: حُبًّا لعبد الرحمن بن ملجم قاتل علي.**

الجمال و النصره لسيد العترة في حرب البصرة، ص: ۱۶۰ و بحار الأنوار ج ۳۲ ، ص ۳۴۲ مسروق مي گوید: بر عایشه وارد شدم و با او به صحبت پرداختم. او غلام سیاه چهره اش را که عبد الرحمان نام نهاده بود، صدا زد، وي حاضر شد. گفتم چرا نامش را عبدالرحمان گذاشته ای؟ گفت: بخاطر علاقه و محبتی که نسبت به عبد الرحمان بن ملجم (قاتل امیرالمومنین علیه السلام) دارم.

✓ ابن حزم اندلسی و دفاع از قاتل امیرالمومنین صلوات الله علیه

ولا خلاف بين أحد من الأمة في **أن عبد الرحمن ابن ملجم لم يقتل عليا رضي الله عنه الا متأولا مجتهدا مقدر انه على صواب**

هیچ اختلافی میان امت نیست که ابن ملجم از روی اجتهاد و تشخیص، دست به قتل علی زد و اعتقادش این بود کار نیکی انجام میدهد.

حال گفتار ابن حزم در مورد قاتلین عثمان را بنگرید:

فَأَبُو الْعَادِيَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَتَأَوَّلٌ مُجْتَهِدٌ مُخْطِئٌ فِيهِ بَاغٌ عَلَيْهِ مَأْجُورٌ آجِرًا وَاحِدًا وَلَيْسَ هَذَا كَقَتْلَةِ عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لِأَنَّهُمْ لَا مَجَالَ لِلِاجْتِهَادِ فِي قَتْلِهِ لِأَنَّهُ لَمْ يَقْتُلْ أَحَدًا وَلَا حَارِبًا وَلَا قَاتِلًا وَلَا دَافِعًا وَلَا زَنِيًّا بَعْدَ إِحْسَانٍ وَلَا اِزْتَدَّ فَيَسُوعُ الْمُحَارِبَةَ تَأْوِيلٌ بَلْ هُمْ فَسَاقٌ مُحَارِبُونَ سَافِكُونَ دَمًا حَرَامًا عَمْدًا بِلَا تَأْوِيلٍ عَلَى سَبِيلِ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ فَهُمْ فَسَاقٌ مَلْعُونٌ
الفصل ج ۴ ص ۱۲۵ .

✓ ابن تیمیة و دفاع از قاتل امیرالمومنین صلوات الله عليه

والذي قتل علياً كان يصلي ويصوم ويقرأ القرآن ، وقتله معتقداً أن الله ورسوله يحبّ قتل عليّ، وفعل ذلك محبةً لله ورسوله في زعمه، وإن كان في ذلك ضالاً مبتدعاً.

منهاج السنة ، ج ۱ ، ص ۱۵۳ .

آن کسی که علی را کشت ، اهل نماز و روزه بود و قرآن می خواند و معتقد بود که کشتن علی مورد رضایت خدا و پیامبر است و این کار را به خاطر به دست آوردن محبت خدا و پیامبر انجام داد ، اگر چه در این عقیده دچار گمراهی شده بود.

✓ کرم امیرالمومنین صلوات الله عليه نسبت به قاتل

وأما ابن ملجم فأخذ وأدخلَ عَلَى عَلِيٍّ، **فَقَالَ أَطِيبُوا طَعَامَهُ وَأَلِينُوا فَرَّاشَهُ**، فَإِنْ أَعَشُ فَاْنَا
وَلِي دَمِي فِيمَا عَفَوْتُ وَإِمَا اقْتَصَصْتُ، وَإِنْ أُمَّتٌ فَالْحِقْوَهُ بِي وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْمُعْتَدِينَ .

انساب الاشراف ج ۲ ص ۴۹۵، الامامة والسياسة ج ۱، ص ۱۸۱

ابن ملجم دستگیر و به حضور امیرالمومنین علیه السلام برده شد. حضرت فرمودند:
خوراکش را نیکو و بسترش را نرم گردانید، اگر زنده ماندم که صاحب خون خودم هستم؛
بخوادم در می گذرم یا قصاص می کنم. و اگر مردم، او را به من ملحق کنید که نزد خداوند
جهانیان از او دادخواهی می کنم.

✓ خطبه امام حسن علیه السلام

۶۷۵۷ - حَدَّثَنَا السَّامِيُّ، حَدَّثَنَا سُكَيْنُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، حَدَّثَنَا جَعْفَرُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ:
لَمَّا قُتِلَ عَلِيُّ قَامَ حُسْنُ بْنُ عَلِيٍّ حَاطِبًا، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَمَّا بَعْدُ، **وَاللَّهِ**
لَقَدْ قَتَلْتُمْ اللَّيْلَةَ رَجُلًا فِي لَيْلَةٍ نَزَلَ فِيهَا الْقُرْآنُ، وَفِيهَا رُفِعَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ، وَفِيهَا قُتِلَ يُوشَعُ
بْنُ نُونٍ فَتَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ»

۶۷۵۸ - حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحَجَّاجِ، حَدَّثَنَا سُكَيْنُ قَالَ: وَحَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ خَالِدِ بْنِ جَابِرٍ،
عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ مِثْلَ هَذَا وَزَادَ فِيهِ: وَفِيهَا تَيْبَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ. وَقَالَ: «**وَاللَّهِ**
مَا سَبَقَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ، وَلَا لَحِقَهُ أَحَدٌ كَانَ بَعْدَهُ»

مسند أبي يعلى الموصلي، ج ۱۲، ص ۱۲۴

وقتی امیرالمومنین صلوات الله علیه به شهادت رسید، امام حسن علیه السلام خطبه خواند و فرمود: شما در شب نزول قرآن، مردی را کشتید که هیچ یکی از افراد قبل از او بر ایشان پیشی نگرفتند و افرادی نیز که بعداً می آیند به پای آن او نخواهند رسید.

✓ لحظه احتضار

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عُقْبَةُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ أَنْ يَرَى مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ إِلَى هَذِهِ ثُمَّ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى الْوَرِيدِ ثُمَّ اتَّكَأَ وَ كَانَ مَعِيَ الْمَعْلَى فَغَمَزَنِي أَنْ أَسْأَلَهُ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَإِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَذِهِ أَيَّ شَيْءٍ يَرَى؟ فَقُلْتُ لَهُ بَضْعَ عَشْرَةَ مَرَّةً أَيَّ شَيْءٍ فَقَالَ فِي كُلِّهَا يَرَى وَ لَا يَزِيدُ عَلَيْهَا ثُمَّ جَلَسَ فِي آخِرِهَا فَقَالَ يَا عُقْبَةُ فَقُلْتُ لَبَيْتِكَ وَ سَعْدَيْكَ فَقَالَ أَبَيْتَ إِلَّا أَنْ تَعْلَمَ فَقُلْتُ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا دِينِي مَعَ دِينِكَ فَإِذَا ذَهَبَ دِينِي كَانَ ذَلِكَ كَيْفَ لِي بِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كُلَّ سَاعَةٍ وَ بَكَيْتُ فَرَقَّ لِي فَقَالَ يَرَاهُمَا وَ اللَّهُ فَقُلْتُ بِأَيِّ وَ أُمِّي مَنْ هُمَا؟ قَالَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عُقْبَةُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ مُؤْمِنَةٌ أَبَدًا حَتَّى تَرَاهُمَا قُلْتُ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمَا الْمُؤْمِنُ أَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا فَقَالَ لَا يَمُضِي أَمَامَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمَا مَضَى أَمَامَهُ فَقُلْتُ لَهُ يَقُولَانِ شَيْئًا قَالَ نَعَمْ يَدْخُلَانِ جَمِيعًا عَلَى الْمُؤْمِنِ **فِي جَلْسِ**

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ فَيُكَبُّ عَلَيْهِ

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبَشِّرُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْ خَيْرٍ لَكَ مِمَّا تَرَكْتَ

مِنَ الدُّنْيَا ثُمَّ يَنْهَضُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَقُومُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يُكَبُّ

عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبَشِّرُ أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتُ تُحِبُّهُ أَمَا لَأَنْفَعَنَّكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْتُ أَيْنَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ فِي يُوسُفَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هَاهُنَا- الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ. لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

عقبه گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای عقبه! خداوند در روز قیامت، هیچ چیز را از بندگانش نمی‌پذیرد، مگر این امر (ولایت) را که شما (شیعیان) بر آن هستید، و هیچ يك از شما نخواهد دید آنچه را که چشم او را روشن نماید، مگر زمانی که جان او به این جا برسد. سپس با دست مبارك خود به شاه‌رگ خویش اشاره فرمود، آن‌گاه تکیه داده و نشست. معلی که همراه من بود، با چشم اشاره کرد که در این مورد از حضرتش بیشتر بپرسم. گفتم: ای پسر رسول خدا! هرگاه جان محتضر به این جا برسد، چه چیزی را می‌بیند؟ بیش از ده بار پرسیدم: چه چیزی را می‌بیند؟ ولی امام در همه آن‌ها فرمود: می‌بیند و چیزی بر آن نیافزود. سپس در آخرین پرسش نشست و فرمود: ای عقبه! گفتم: آری، بفرمایید! فرمود: گویی دست نخواهی کشید مگر پاسخ سؤال را بدانی؟ گفتم: آری، ای پسر رسول خدا! دین من فقط دین شماست. هرگاه دین من برود، میان من و شما جدایی خواهد افتاد. چگونه می‌توانم در حضور شما باشم و پاسخ خویش نگیرم؟! سپس گریان شدم. حضرت چون چنین دید، دلش به حال من سوخت و فرمود: به خدا سوگند! آن دو را می‌بیند. گفتم: پدر و مادرم فدای شما باد! آن دو کیستند؟ فرمود: آن‌ها رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام هستند. ای عقبه! هیچ مؤمنی نمی‌میرد، مگر این که آن‌ها را می‌بیند. گفتم: هرگاه مؤمن ایشان را چنین ببیند، آیا دوباره به دنیا باز می‌گردد؟ فرمود: نه، به جلو پیش خواهد رفت، هرگاه ایشان را ببیند. گفتم: آیا چیزی به او می‌گویند؟ فرمود: آری، هر دو با هم نزد مؤمن آیند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار سر و علی علیه السلام در کنار پای او خواهند نشست، رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به او می‌کند و می‌فرماید: ای دوست خدا! بشارت باد بر تو! من رسول خدایم. من از آن‌چه که از دنیا ترك کرده‌ای، برای تو بهترم. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله برمی‌خیزد و علی علیه السلام به پاخاسته و رو به او می‌کند و می‌فرماید: ای دوست خدا! بشارت باد بر تو. من علی بن ابی طالبم، آن کسی که او را دوست می‌داشتی.

آگاه باش که به تو سود خواهم رساند. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: این حقیقت در کتاب خدای متعال مذکور است. گفتم: خداوند مرا فدای تو گرداند! در کجای کتاب خداست؟ فرمود: در سوره یونس، آنجا که خدای متعال می‌فرماید: «آن کسانی که ایمان آورده و پرهیزگار شدند، برای آن‌ها بشارت باد در زندگی دنیا و جهان آخرت و کلمات خداوند را تغییری نیست، و این همان رستگاری بزرگ است.»

✓ حضرت زهرا سلام الله علیها به استقبال آمدند

194- أسماء بنت عمیس : أنا لعند علي بن أبي طالب بعد ما ضربه ابن ملجم، إذ شهق شهقة ثم أغمي عليه، ثم أفاق فقال: **مرحبا، مرحبا، الحمد لله الذي صدقنا وعده، و أورثنا الجنة، فقيل له: ما ترى؟ قال: هذا رسول الله، وأخي جعفر، و عمي حمزة، و أبواب السماء مفتحة، و الملائكة ينزلون يسلمون عليّ و يبشرون، و هذه فاطمة** قد طاف بها و صائفها من الحور، و هذه منازل في الجنة. لمثل هذا فليعمل العاملون.

ربيع الأبرار و نصوص الأخبار، ج ۵، ص ۱۵۶

جناب اسماء بنت عمیس گوید: من در شب آخر نزد امیرالمومنین صلوات الله علیه بودم. ایشان از درد ناله ای کردند و بیهوش شدند. وقتی به هوش آمدند فرمودند: خوش آمدید! خوش آمدید! خدا را سپاسگذارم که به وعده اش عمل نمود. گفتم چه می بینید؟ فرمود: رسول خدا به پیشوازم آمده، برادرم جعفر و عمویم حمزه آمده اند. تمام درهای آسمان گشوده شده و ملائکه برای سلام و بشارت فرود آمده اند. و این فاطمه است، در حالیکه حوریان بهشتی او را حلقه کرده اند به استقبال آمده، و جایگاهم در بهشت را می بینم. پس اهل عمل باید در دنیا برای دستیابی به چنین پاداشی بکوشند.